



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: جاعل حکم شرعی
موضوع جزئی: ۲- پیامبر اکرم (ص)
تدوین: رضا سیدآبادی

تاریخ: ۲۹ آبان ۱۳۸۹
مصادف: ۱۳ ذی الحجه ۱۴۳۱
جلسه: ۳۱

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه بحث گذشته:

با توجه به تعطیلات مدتی بین بحث ما فاصله افتاده و باید اشاره ای به بحث گذشته داشته باشیم. بحث ما در این بود که جاعل حکم شرعی کیست؟ گفتیم قطعاً خداوند تبارک و تعالی جاعل است و حکم شرعی را خود خداوند تبارک و تعالی جعل می کند و در مورد پیامبر (ص) هم عرض کردیم که به استناد آیات و روایاتی می توانیم پیامبر (ص) را جاعل حکم شرعی به حساب آوریم.

ولی این مقام جعل حکم شرعی بالاصالة برای پیامبر (ص) ثابت نیست چون جعل حکم مربوط به کسی که دارای ولایت باشد و ولایت منحصر در خدا است پس جعل حکم هم منحصر در خداوند است و او است که ولی و خالق این عالم است و تنها او حق امر و نهی و دستور دارد مگر اینکه خداوند تبارک و تعالی به دیگری این اذن را اعطا کند که او هم بتواند حکم شرعی را جعل کند یا این حق را تفویض کند. بحث ما در همین تفویض جعل به پیامبر (ص) بود که بعضی از آیات را ذکر کردیم.

اما بحث جلسه گذشته در روایات بود و گفتیم روایات را می توان به شش طایفه بحسب تعابیری که در آنها ذکر شده تقسیم کرد. اما این تقسیم بندی الزاماً به این معنا نیست که چند طایفه مستقل باشد چون بعضاً قابل ارجاع به یکدیگر هستند ولی عمده این است که تعابیر با هم متفاوت است.

در دسته اول از روایات تفویض به نحو مطلق ذکر شده و فرموده که چه چیزی تفویض شده؛ این روایات عبارت بودند از روایات اول، دوم، هشتم و نهم «باب التفویض الی رسول الله و الی الائمة علیهم السلام فی امر الدین»؛ این چهار روایت مورد بررسی قرار گرفت.

در دسته دوم روایاتی بیان شد که در آنها تصریح شده امر خلق به پیامبر (ص) تفویض شده تا چگونگی اطاعت آنها معلوم شود.

دسته سوم:

اما دسته سوم روایاتی است که در آن تصریح شده که امر دین به پیامبر تفویض شده، روایت ششم این باب که دارای سند خوبی است که عبارت است از: «محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن سنان، عن إسحاق بن عمار، عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: إن الله تبارک و تعالی أدب نبیه (صلى الله عليه وآله) فلما انتهى به إلی ما أراد، قال له: " إنک لعلی خلق عظیم " ففوض إلیه دینه فقال: " وما آتاکم الرسول فخذوه وما نهاکم عنه فانتهوا " وإن الله عزوجل فرض الفرائض ولم

يقسم للجد شيئاً وإن رسول الله (صلى الله عليه وآله) أطمعه السدس فأجاز الله جل ذكره له ذلك، وذلك قول الله عزوجل: " هذا عطاؤنا فامنن أو أمسك بغير حساب" ^۱

محل بحث ما «ففوض اليه دينه» است که تعبیر به تفویض در دین آمده، محل بحث ما در این دسته ذیل روایت نیست چون ذیل روایت مربوط به دسته بعدی است که آن را ذکر خواهیم کرد.

دسته چهارم:

طائفه چهارم روایاتی است که تصریح می کند امر دین و امت به پیامبر تفویض شده تا امور بندگان را تدبیر و سیاست کند. در روایت چهارم همان باب آمده: علی بن ابراهیم، عن ابيه، عن ابن أبي عمير، عن عمر بن اذينة. عن فضيل بن يسار قال: سمعت أبا عبدالله (عليه السلام) يقول لبعض أصحاب قيس الماصر: إن الله عزوجل أدب نبيه فأحسن أدبه فلما أكمل له الادب قال: " إنك لعلی خلق عظیم " ، ثم فوض إليه أمر الدين والامة ليسوس عباده، فقال عزوجل: " ما آتاكم الرسول فخذوه وما نهاكم عنه فانتهوا " وإن رسول الله (صلى الله عليه وآله) كان مسدداً موفقاً مؤيداً بروح القدس، لا يزل ولا يخطئ في شيء مما يسوس به الخلق، فتأدب بآداب الله...» ^۲

این نکته خیلی مهمی است که قبل از تفویض اشاره می شود که خداوند پیامبرش را تربیت کرد و ادب او را نیکو گرداند همچنین استناد می شود به آیه شریفه «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»، پس اول پیامبر (ص) به لطف الهی این شایستگی را پیدا کرد و بعد امر دین و امت به او تفویض شد تا امر عباد را سیاست کند.

و ادامه حدیث هم مربوط می شود به دسته پنجم از روایات که در جای خود آن را مورد بحث قرار خواهیم داد.

پس دسته چهارم روایاتی است که تصریح می کند به اینکه امر دین و امت به پیامبر (ص) تفویض شده تا بتواند بندگان را تدبیر کند.

دسته پنجم:

در بعضی از روایات فقط وضع و جعل را برای پیامبر (ص) ذکر کرده که سابقه جعل هم نداشته و پیغمبر اقدام به جعل کرده. اینجا سخنی از تفویض نیست.

۱- در روایات هفتم این چنین آمده: «الحسين بن محمد، عن معلى بن محمد، عن الوشاء، عن حماد بن عثمان، عن زرارة، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: وضع رسول الله صلى الله عليه وآله دية العين ودية النفس وحرم النبیذ وکل مسکر، فقال له رجل: وضع رسول الله (صلى الله عليه وآله) من غير أن يكون جاء فيه شيء؟ قال: نعم ليعلم من يطع الرسول ممن يعصيه». که اصل دیه چشم و نفس در قرآن آمده اما این پیامبر (ص) است که مقدار آن را جعل و معین کرده است . همچنین در قرآن فقط حرمت خمر بیان شده اما حرمت نبیذ یعنی شرابی که از کشمش اخذ شده و حرمت هر مسکری توسط پیغمبر بیان شده. در ادامه حدیث سوال می شود که آیا پیغمبر خودش بدون اینکه چیزی آمده باشد وضع کرده؟ که امام (ع) می - فرماید بله؛ تا مطیع و عاصی نسبت به پیغمبر مشخص شود.

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۶۷

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۶۶

سوال: این سخن که پیامبر بدون اینکه در قرآن چیزی آمده باشد می تواند جعل کند با این سخن امام رضا (ع) که می - فرماید هر حدیثی که از ما شنیدید پیرسره از کجای قرآن آمده منافات دارد؟

استاد: اینکه گفته شده غیر از قرآن چیزی نمی گوئیم یعنی اینکه از چهارچوب قرآن خارج نمی شویم و قرآن به منزله یک چارچوبی برای همه چیز است و به عنوان قانون اساسی است اما این همه جزئیات در کلام ائمه (ع) هست که در قرآن بیان نشده، پس این جعل و وضع پیامبر با قرآن منافاتی ندارد بلکه پیامبر تکمیل کرده و همچنین در ادامه حدیث چهارم که شاهد مثال این دسته هم هست آمده « فأجاز الله عزوجل له ذلك » از طرف دیگر عقیده ما این است که معصومین با اذن خداوند تبارک و تعالی و بر اساس علمی که دارند آن جزئیات را جعل و بیان می کنند و الا این منظور نیست که ائمه من عند انفسهم سخنی بگویند.

آن چیزی که در این جعل و وضع مهم است این است که برخلاف قرآن نباشد، در حدیث هم آمده مخالف قرآن را بر جدار بکوبید. پس به شرط اینکه مخالف قرآن نباشد هیچ منعی از جعل و منافاتی در روایات نیست.

۲- همچنین برای این دسته پنجم ذیل روایت ششم که بحثش گذشت را می توان به عنوان شاهد ذکر کرد . «و إن الله عزوجل فرض الفرائض ولم يقسم للجد شيئا وإن رسول الله (صلى الله عليه وآله) أطمعه السدس فأجاز الله جل ذكره له ذلك» که خداوند تبارک و تعالی فرائض را تقسیم کرد ولی برای جد چیزی قرار نداد و پیغمبر (ص) سهمی را برای جد جعل کرد. این هم نشان می دهد که وضع و جعل رسول الله تحقق پیدا کرده در حالی که قبلش چیزی نبود.

۳- همچنین ذیل روایت چهارم بلب این تعبیر آمده: «ثم إن الله عزوجل فرض الصلاة ركعتين، ركعتين عشر ركعات فأضاف رسول الله (صلى الله عليه وآله) إلى الركعتين ركعتين وإلى المغرب ركعة فصارت عدیل الفريضة لا يجوز تركهن إلا في سفر وأفرد الركعة في المغرب فتركها قائمة في السفر والحضر فأجاز الله عزوجل له ذلك فصارت الفريضة سبع عشرة ركعة، ثم سن رسول الله (صلى الله عليه وآله) النوافل أربعا وثلاثين ركعة مثلى الفريضة فأجاز الله عزوجل له ذلك والفريضة والنافلة إحدى وخمسون ركعة منها ركعتان بعد العتمة جالسا تعد بركعة مكان الوتر وفرض الله في السنة صوم شهر رمضان وسن رسول الله (صلى الله عليه وآله) صوم شعبان وثلاث أيام في كل شهر مثلى الفريضة فأجاز الله عزوجل له ذلك وحرم الله عزوجل الخمر بعينها وحرم رسول الله (صلى الله عليه وآله) المسكر من كل شراب فأجاز الله له ذلك كله وعاف رسول الله (صلى الله عليه وآله) أشياء وكرهها ولم ينه عنها نهى حرام إنما نهى عنها نهى اعافه وكرهه، ثم رخص فيها» الحديث. در این حدیث موارد متعددی ذکر شده که پیامبر جعل کرده، از قبیل اینکه دو رکعت به نمازهای ظهر و عصر و یک رکعت به نماز مغرب اضافه کردند و همچنین در مورد روزه های مستحب و مواردی از این قبیل که در جلسه آینده به بررسی آن خواهیم پرداخت.